



دکتر بصیر کامجو

جشن نوروز زاینده همبستگی ودوستی



با ادای ادب اجازه می خواهیم که جشن جهانی نوروز را بمرتبه یکی از مناسبت های جهانی و فرهنگی و همگرایی بشری ، به تک تک شهروندان میراث دار این روز فرخنده و میمون در سراسر جهان ، تبریک و تهنیت بگوئیم .

جشن نوروز احساس مهر ورزی و دوستی ، با هم بودن و پهلوی هم بودن ، را به جهان بشریت به ارمغان آورد . گرمی و جاویدان باد جشن نوروز!

جشن نوروز کهن ترین جشن به جا مانده از دوران باستان سرزمین آریان است . درون مایه جشن نوروز از تک زمان برابر شدن بهاری می آغازد ، مرحله ای که خورشید از صفحه استوای زمین می گذرد و بسوی شمال آسمان می رود . این وهله را ، وهله اول برج حمل می نامند .

بقول برخی از مُتون کهن سرزمین آریان از جمله شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، جمشید شاهنشاه پیشدادیان بلخ باستان - پایه گذار جشن نوروز معرفی شده است. در این مُتون حکایت است که: "

جمشید در هفتاد سال پادشاهی خود با خردمندی و اندیشه نونگری،

به دست آورد های چشمگیری نائل آمد:

یکم - ساختن ابزار جنگی، که وی آهن را نرم کرد و از آن زره و جوشن و خفتان و برگستوان (پوششی که جنگ آوران به هنگام جنگ می پوشند، پوشش اسبان و فیل ها به هنگام جنگ) ساخت.

دوم - پوشش مردمان، جمشید پادشاه با اندیشه بهتر موفق به پوشش مردمان گردید. از کتان و ابریشم و پشم جامه ساخت، رشتن، بافتن، دوختن و شستن را به مردمان آموخت.

سوم - این پادشاه خردمند تهیه مسکن، ساختمان سازی و خشت زنی را به مردم آموخت. مردم خاک و آب را به هم آمیختند و گِل ساختند و خشت زدند، سنگ و گچ را به کاربرد و خانه و گرمابه و کاخ و ایوان برپا کرد.

چهارم - جمشید سینه سنگ را شکافت و از آن گوهر های گونه گون چون یاقوت و بیجاده و فلزات و زر و سیم بیرون آورد. تازیورزندگی و مایه خوشدلی مردمان باشد.

پنجم - جمشید در پی بوهای خوش برآمد و بر گلاب و عود و عنبر و مشک و کافور دست یافت.

ششم - جمشید در اندیشه سفر افتاد و دست به ساختن کشتی برد و بر آبها دست یافت.

بدینسان جمشید با چنین دست آورد های ناب خود، که موفق به تغییر در صورت حیات اجتماعی مردم گردید، و به همه هنرها مستولی شد و توانا گردید. انگیزه خود بینی و غرور در او بیدار شد و در اندیشه پرواز در آسمان افتاد:

فرمان داد تا تختی گران بها برایش ساختند و گوهر بسیار بر آن نشانند. خادمان تخت را از زمین برداشتند و بر آسمان برافراشتند. جمشید در آن چون خورشید تابان نشسته بود و این همه به فرایزدی می کرد.

جهانیان از شکوه و توانایی او خیره شدند، گرد آمدند و بر بخت و شکوه او آفرین خواندند بر او گوهر افشاندند و آن روز را که برابر به نخستین روز حمل (21 مارس) بود، آن را نوروز خواندند. (1)

به فر کیانی یکی تخت ساخت

چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت
که چون خواستی دیو برداشتی
ز هامون به گردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا
نشسته برو شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بر آن تخت او
شگفتی فرومانده از بخت او
به جمشید بر گوهر افشاندند
مران روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرگز فرودین
برآسوده از رنج روی زمین (2)

با ارجمندی به ارزشهای تاریخی سرزمین نیاکان ، کوروش بزرگ بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشی ها ، نوروز این سنت اجداد مان را در سال 538 قبل از میلاد، جشن ملی اعلام کرد. وی در این روز برنامه‌هایی برای ترفیع سربازان، پاکسازی مکان‌های همگانی و خانه‌های شخصی و بخشش محکومان اجرا می‌نمود. این آیین‌ها در زمان دیگر پادشاهان هخامنشی نیز برگزار می‌شده‌است.



کوروش بزرگ

در زمان داریوش یکم، مراسم نوروز در تخت جمشید برگزار می‌شد. داریوش به مناسبت نوروز در سال 416 قبل از میلاد سکه‌ای از جنس طلا ضرب نمود که در یک سوی آن سربازی در حال تیراندازی نشان داده شده‌است.



داریوش اول هخامنشی



نوروز در زمان اشکانیان و ساسانیان تحت نام جشن نوروز بزرگ و نوروز خاصه برپا می‌شد.

در زمان اشکانیان و ساسانیان نیز نوروز گرامی داشته می‌شد. در این دوران، جشن‌های زیادی در جریان یک سال برگزار می‌شد که مهمترین آنها نوروز و مهرگان بود. برگزاری جشن نوروز در دوران ساسانیان چند روز (دست کم شش روز) به درازا می‌کشید و به دو دوره نوروز کوچک و نوروز بزرگ تقسیم می‌شد. نوروز کوچک یا نوروز عامه به مدت

پنج روز، از یکم تا پنجم فروردین گرامی داشته می‌شد و روز ششم فروردین (خرداد روز)، جشن نوروز بزرگ یا نوروز خاصه برپا می‌شد. در هر یک از روزهای نوروز عامه، طبقه‌ای از طبقات مردم (دهقانان، روحانیان، سپاهیان، پیشه‌وران و اشراف) به دیدار شاه می‌آمدند و شاه به سخنان آنها گوش می‌داد و برای حل مشکلات آنها دستور صادر می‌کرد. در روز ششم، شاه حق طبقات گوناگون مردم را ادا کرده بود و در این روز، تنها نزدیکان شاه به حضور وی می‌آمدند.



PDC 12333

اشک اول - بنیان گذار سلسله اشکانیان

ارد شیر بابکان، بنیان گذار سلسله ساسانیان در سال 230 میلادی از دولت روم که از وی شکست خورده بود، خواست که نوروز را در این کشور به رسمیت بشناسد. این درخواست مورد پذیرش سنای روم قرار گرفت و نوروز در قلمرو روم به Lupercal معروف شد.

در دوران ساسانیان، 25 روز پیش از آغاز بهار، در دوازده ستون که از خشت خام برپا می‌کردند، انواع حبوبات و غلات (برنج، گندم، جو، نخود، ارزن، و لوبیا) را می‌کاشتند و تا روز شانزدهم فروردین آنها را جمع نمی‌کردند. هر کدام از این گیاهان که بارورتر شود، در آن سال محصول بهتری خواهد داد. در این دوران همچنین متداول بود که در بامداد نوروز، مردم به یکدیگر آب بپاشند.



اردشیر بابکان

همچنان از زمان هرمز نخست پادشاه ساسانی مرسوم شد که مردم در شب نوروز آتش روشن نمایند. به این سلسله از زمان هرمز دوم، سنت رسم دادن سکه در نوروز به گونه عیدی متداول گردید.

از برگزاری آیین‌های نوروز در زمان امویان نشانه‌ای در دست نیست و در زمان عباسیان نیز به نظر می‌رسد که خلفا گاهی برای پذیرش هدایای مردمی، از نوروز استقبال می‌کرده‌اند. با روی کار آمدن سلسله‌های سامانیان و آل بویه، جشن نوروز با گستردگی بیشتری برگزار شد.

در دوران سلجوقیان، به دستور جلال‌الدین ملک شاه سلجوقی تعدادی از ستاره شناسان ایرانی از جمله عمر خیام برای بهترسازی گاهشمار ایرانی گرد هم آمدند. این گروه، نوروز را در یکم بهار (ورود آفتاب به برج حمل) قرار دادند و جایگاه آن را ثابت نمودند. بر اساس این گاهشمار که به تقویم جلالی معروف شد، برای تغییر ناپذیر ماندن نوروز در آغاز بهار، مقرر شد که حدوداً هر چهار سال یک بار (گاهی هر پنج سال یک بار)، تعداد روزهای سال را به جای ۳۶۵ روز برابر با ۳۶۶ روز در نظر بگیرند. این گاهشمار از سال ۳۹۲ هجری برابر به ۱۰۱۳ میلادی آغاز شد.

نوروز در سروده های فارسی

بر اساس داده های تاریخ در باره گرمی داشت از نوروز و اهمیت فراقاره ای آن گویندگان ایرانی سروده های نغزی به این مناسبت از خود به یادگار گذاشته اند .:

سروده فرخی درباره نوروز:

ز باغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید
کلید باغ ما را ده که فردامان به کار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید
تو لختی صبر کن چندان که قمری بر چنار آید
چو اندر باغ تو بلبل به دیدار بهار آید
ترا مهمان ناخوانده به روزی صد هزار آید
کنون گر گلبنی را پنج شش گل در شمار آید
چنان دانی که هرکس را همی زو بوی یار آید
بهار امسال پندار همی خوشتر ز پار آید
وزین خوشتر شود فردا که خسرو از شکار آید
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
ملک را در جهان هر روز جشنی داد و نوروزی

سروده منوچهری درباره نوروز :

نوروز بزرگم بزن ای مطرب نوروز
زیرا که بود نوبت نوروز به نوروز
برزن غزلی نغز و دل انگیز و دلفروز
ور نیست ترا بشنو از مرغ نوآموز
کاین فاخته زان کوز و دگر فاخته زانکوز
بر قافیه خوب همی خواند اشعار

سروده در نوروز از سعدی:

برآمد باد صبح و بوی نوروز
به کام دوستان و بخت پیروز
مبارک بادت این سال و همه سال
همایون بادت این روز و همه روز

سروده نوروز از حافظ :

ز کوی یار میآید نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی
به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی

سروده نوروژ از عمرخیام :

بر چهره ی گل نسیم نوروژ خوش است
بر طرف چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه بگویی خوش نیست
خوش باش و مگو ز دی که امروز خوش است

سروده نوروژ از نظامی گنجوی :

بهاری داری از وی بر خور امروز
که هر فصلی نخواهد بود نوروژ
گلی کو ، را نبوید ، آدمی زاد
چو هنگام خزان آید برد ، باد

سروده زیبای نوروژی از مولوی :

ای نوبهار خندان از لامکان رسیدی
چیزی بیار مانی از یار ما چه دیدی
خندان و تازه رویی سرسبز و مشک بویی
همرنگ یار مایی یا رنگ از او خریدی

جغرافیای جشن نوروژ

منطقه‌ای که در آن جشن نوروژ برگزار می‌شود، امروزه شامل چندین کشور جهان می‌شود و همچنان در این کشورها جشن گرفته می‌شود. برخی آیین‌های نوروژ در این کشورها با هم متفاوت‌اند. مثلاً در افغانستان در هنگام نوروژ سفره هفت میوه می‌چینند؛ اما در ایران سفره هفت سین می‌اندازند.

جغرافیای نوروژ با نام نوروژ یا مشابه آن، سراسر خاورمیانه (ایران ، ترکیه ، عراق ، عربستان ، یمن ، سوریه ، امارات عربی ، فلسطین ، اردن، لبنان ، عمان ، کویت ، قطر ، بحرین و قبرس) بالکان، قزاقستان، تاتارستان، در آسیای میانه (قیرغزستان ، تاجیکستان ، ازبیکستان ، ترکمانستان و افغانستان) چین غربی (ترکستان چین)، سودان، زنگبار، در آسیای کوچک سراسر قفقاز تا آستراخان و نیز آمریکای شمالی، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نپال و تبت را شامل می‌شود.

همچنین کشورهایی مانند مصر و چین جزو سرزمین‌هایی نیستند که در آنها نوروژ جشن گرفته می‌شود، اما امروزه جشن‌هایی مشابه جشن نوروژ در این کشورها برگزار می‌شود.

در تاریخ 30 مارس 2009 میلادی برابر است به دهم فروردین 1388 ، پارلمان فدرال کانادا، اولین روز بهار هر سال را که برابر است به 21 مارس به عنوان نوروژ (Nowruz Day)، عید ملی ایرانیان و بسیاری اقوام دیگر نامگذاری کرد.

سفره‌های نوروزی

سفره هفت سین از سفره‌های نوروزی است که در ایران، جمهوری آذربایجان و افغانستان و تاجیکستان و ازبکستان بویژه شهروندان سمرقند و بخارا ... رایج است.

سفره‌های نوروزی یکی از آیین‌های مشترک در مراسم نوروز در بین مردمی است که نوروز را جشن می‌گیرند. در بسیاری از نقاط ایران، جمهوری آذربایجان و برخی از نقاط افغانستان، سفره هفت سین پهن می‌شود. در این سفره هفت چیز قرار می‌گیرد که با حرف سین آغاز شده باشد؛ مثل سیر، سنجد، سمنو، سیب و ... به هفت سینی که چیده می‌شود معانی خاصی نسبت داده‌اند. مثلاً سیب را نماد زیبایی و تندرستی، سنجد را نماد عشق و محبت، و سکه را رزق و روزی گفته‌اند.

سفره نوروز از زمانهای کهن بوده اما به این صورت بوده است که سفره ای را پهن می کردند و در بشقابهای سفالی و یا فلزی انواع آجیل‌های خشک شده مانند :
توت خشک -

برگه خشک شده زردآلو

و هلو و پختیک (پخته شده و خشک شده لبو)

و عسل و سر شیر خشک شده،

کلوچه، گگگ (کیک)

قطاب و نان سرموکی و ... می گذاشتند

تخم مرغ رنگ شده حتما در سفره وجود داشت.

در این سفره بعضی چیزها فقط جنبه زیبایی داشت مانند تخم مرغ و آینه. ولی سایر چیزها برای خوردن و پذیرایی میهمانان بود و هر زمان که تمام می شد بلافاصله صاحب خانه ظروف را مجدد برای میهمانان جدید پر می کرد.

اما اینکه هفت چیز با نام سین باشد پدیده جدیدی است به نظر می‌رسد گذاشتن هفت جزء آغازشونده با حرف سین در سفره نوروزی پدیده‌ای است که در اواخر دوره ها رایج شده و پیشینه تاریخی باستانی ندارد، بلکه توسط رسانه‌ها فراگیر شده است.

همچنان مردم قبل از نوروز به حمام می رفتند و شلوغ ترین روزهای سال گرمابه ها چند روز سال نو بود گرمابه که معمولا با چوب و هیزم در (گرخانه) GOr khaneh یا آتش خانه آب حمام را گرم می کرد حتما یک ذخیره خاص چوب و هیزم را برای روزهای نوروز ذخیره می کرد.

پهن کردن سفره نوروزی در ایران آداب و رسوم خاصی دارد و روی سفره اجزای دیگری به‌ویژه آینه، شمع، و آب نیز حضور دارند. از دیگر اجزای سفره امروزی می‌شود از ماهی و تخم مرغ رنگ‌شده یاد کرد.

در کابل و شهرهای شمالی افغانستان، سفره هفت میوه متداول است. در این سفره، هفت

میوه قرار می‌گیرد، از جمله؛ کشمش سبز و سرخ، چارمغز، بادام، پسته، زردآلو و سنجید. چیدن سفره‌ای مشابه با استفاده از میوه خشک شده، در بین شیعیان پاکستان هم مرسوم است.

علاوه بر این، سفره هفت شین در میان زرتشتیان، و سفره هفت میم در برخی نقاط واقع در استان فارس در ایران متداول است. در جمهوری آذربایجان عدد هفت اهمیتی ندارد و بر روی سفره‌های نوروزی خود، آجیل قرار می‌دهند.

نوروز در دوران کنونی

نوروز در دوران کنونی به گونه‌ای یک میراث فرهنگ باستانی سرزمین آریان همواره مورد توجه مردم قرار داشته و هر ساله برگزار می‌شود.

البته برگزاری جشن نوروز با نگرش اندیشه‌های ذهنی چپی و راستی، آشکارا در برخی از کشورها بوسیله برخی حکومت‌ها برای مدت زمانی غیر قانونی بوده‌است.

حکومت شوروی برگزاری جشن نوروز را در برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قرغیزستان و تاجیکستان غیرقانونی کرده بود و این محدودیت تا زمان میخائیل گورباچف ادامه داشت.

همچنین در افغانستان، در دوران حکومت طالبان افغان، برگزاری جشن نوروز ناروا شناخته شده بود. مگر مردم با فرهنگ این کشور، با داشت ممکنه‌های خودی در خانه‌ها و منازل خویش جشن نوروز را پیوسته گرامی می‌داشتند.

خوشبختانه بنا به پیشنهاد جمهوری آذربایجان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در هفتادویکمین نشست مورخ 23 فبروی 2010، 21 ماه مارس را به عنوان جشن بین المللی نوروز یکی از مناسبت‌های جهانی و یکی از میراث فرهنگی معنوی بشری، با ریشه آریائی به رسمیت شناخت و آن را در تقویم خود جای داد.

در خبر منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد در باره اهمیت نوروز آمده است:

"نوروز برای بیش از 300 میلیون نفر در مناطقی از بالکان، منطقه دریای سیاه، قفقاز، آسیای مرکزی، سراسر خاور میانه و آمریکای شمالی نقاط دیگر جهان جشن گرفته می‌شود." (3)

اهمیت شایستگی و دیرینگی نوروز و سایر اعیاد ملی و دینی بجا مانده در این اصل متجلی است که، نیاکان ما، جشن نوروز و سایر جشن‌های تاریخی و دینی را به مفهوم پلی به فردا در هاله‌ای از تقدس، بمثابة نمادی در تعمیم مهر ورزی، همدلی، عامل همبستگی احساسات ملی و عقیدتی، قرار دادند.

ماندگاری و استمرار نوروز و اعیاد دینی در پاکیزگی و کنه خدا پرستی و نگاه انسان‌گرایانه ای آن نهفته است.:

و آن کنه تقدس جلوه گاه ایست از تعبد و تسلیم به خداوند در سایه عبودیت ، فرصتی ایست برای تزکیه نفس و تبلوری از احسان و نیکوکاری ، دیدار بادوستان و نمایشی از روند تحول و رستاخیز طبیعت می باشد. ما از پنجره امید به کرانه های تابش آفتاب گرم نوروز و جشن های دینی چشم دوخته ایم ، گرمی ای که دل های یخ زده نفرت و آز را از اسیر سردی نفس ظلمت رها می کند . و ستاره لبخند بر آسمان چهره آشتی می درخشد.

منابع و مأخذ

- 1 - شاهنامه فردوسی ، بتصحیح ژول مُول ، انتشارات بهزاد، چاپ پنجم ، سال 1379 ، ص 10 - 11 . و رجوع شود به لغت نامه دهخدا که در آن این مفاهیم در مورد نوروز نیز بیان شده است که میگوید : " ... جمشید در حال گذشتن از آذربایجان ، دستور داد که در آنجا برای اوتختی بگذارند و خودش با تاج زرین بروی تخت نشست. یارسیدن نور خورشید به تاج زرین او ، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را نو نامیدند. "
- 2 - حبیب السیر ، چاپ خیام ، جلد 1 ، ص 178 .
- 3 - رجوع شود به هفتادویکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ 23 فبروی 2010 ، که 21 ماه مارس را به عنوان جشن بین المللی نوروز به رسمیت شناخت.
- 4 - برای آگهی بیشتر به منابع ذیل مراجعه فرمائید :
 - دهخدا، لغتنامه
 - معین، جشن نوروز
 - متن انگلیسی گزارش مطبوعاتی مجمع عمومی سازمان ملل.
 - نوروز ایرانی، جهانی شد، بی‌بی‌سی فارسی
 - کتاب نوروز در ژرفای تاریخ
 - اولین روز بهار در کانادا رسماً «نوروز Nowruz Day» نامگذاری شد «(فارسی) .
 - وبگاه خبری تحلیلی تابناک، 14 فروردین 1388 . بازبینی شده در فروردین 1388 .
 - خبرگزاری جمهوری اسلامی :: "عید نوروز" بین‌المللی شد.
 - نامعلوم، مرکز مطالعات روسیه آسیای مرکزی و قفقاز ، « نوروز یا نوروز بایرام، جشن ملی-اجتماعی ترکمنستان»
 - روز جهانی نوروز در سازمان ملل ثبت شد